

ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران

امین رضا بخشی چناری*^۱، محمود گودرزی^۲، سید نصرالله سجادی^۳، مجید جلالی فراهانی^۴

۱. دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

۳. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

۴. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: (۱۳۹۷/۱۲/۱۰)

تاریخ ارسال: (۱۳۹۷/۰۹/۱۹)

Solutions for Empowering and Promoting Sport Diplomacy in Foreign Policy of Islamic Republic of IranAmin Reza Bakhshi Chenari*¹, Mahmoud Goodarzi², Seyed Nasrollah Sajjadi³, Majid Jalali Farahani⁴

1. Ph.D. Sport Management, University of Tehran

2. Professor of Sport Management, University of Tehran

3. Professor of Sport Management, University of Tehran

4. Associate Professor of Sport Management, University of Tehran

Received: (2018/12/10)

Accepted: (2019/03/01)

چکیده

Abstract

The purpose of this study was to provide solutions to empower and promote sport diplomacy in foreign policy of the Islamic Republic of Iran. The whole research process included of two phases: the first phase of the research included qualitative research using grounded theory (Interview, studying articles, books, and documents), the second phase of the research included quantitative research using descriptive-analytic (Delphi and AHP). After the end of the first phase of the study, 12 variables were identified. The results of the research showed that some key strategies in empowering and promoting sport diplomacy in foreign policy of Islamic Republic of Iran from the viewpoints of elites are as follow: to review and revise the executive regulations of sports institutions (Ministry of Sports, National Olympic Committee, etc.), to organize coordination meetings between the ministry of sports and ministry of foreign affairs as the main owners of sport diplomacy, to train political-sports leaders of the country with the principles of international interactions in international level, to implement a comprehensive program for expanding and promoting sport diplomacy, to define and clarify the concept of sport diplomacy for state organizations active in public diplomacy.

Key words: Sport Diplomacy, Soft Power, Delphi Method.

هدف از این پژوهش، ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. کل فرایند پژوهش شامل دو مرحله است: مرحله اول پژوهش شامل تحقیق کیفی از نوع نظریه بر خاسته از داده‌ها (با استفاده از ابزار مصاحبه با اساتید دانشگاه و نخبگان، مطالعه مقالات، کتب، اسناد و مدارک)، مرحله دوم پژوهش شامل تحقیق کمی از نوع توصیفی-تحلیلی (با استفاده از روش دلفی و AHP). پس از پایان مرحله اول پژوهش، تعداد ۱۲ متغیر، بعد از پایان دوره دوم روش دلفی و غربالگری نهایی شناسایی شد. نتایج پژوهش نشان داد بازبینی و بازنگری آئین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی (وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و...)، برگزاری جلسات هماهنگی بین وزارت ورزش و وزارت خارجه به عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی، آموزش مدیران سیاسی - ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی، تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، تعریف و تبیین مفهوم دیپلماسی ورزشی به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فعال در حوزه دیپلماسی عمومی، راهکارهای مهم در توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نخبگان است.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی ورزشی، قدرت نرم، روش دلفی

مقدمه

مفهوم دیپلماسی برای اولین بار در مصر باستان، یونان و چین مطرح شد (بجولا، ۲۰۱۳: ۱۰۵). دیپلماسی مهم‌ترین شاخصه سیاست خارجی کشورهاست که در طول تاریخ ظهور دولت‌ها، تحولات گوناگونی در شکل، محتوا و ساختار آن پدیده آمده است. با ظهور و گسترش رسانه‌ها و شکسته شدن مرزهای جغرافیایی، تحول مفهومی شگرفی در شکل و معنای دیپلماسی پدیدار شده است (محسن‌زادگان و حسینی کرانی، ۱۳۹۱: ۱). در واقع دولت‌ها سعی دارند با استفاده از دیپلماسی عمومی افکار عمومی را با خود همراه کنند تا برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود با مشکلات کمتری مواجه شوند (امیرتاش، ۲۰۰۵: ۴۵۰). در دیپلماسی عمومی، مخاطب برنامه‌ها را مردم، نخبگان سیاسی، فرهنگی و در مجموع جمعیتی غیر از مسئولان تشکیل می‌دهند و در این زمینه از ابزارهای مختلفی مانند تبلیغات رسانه‌های جمعی و تأثیرگذاری فرهنگی از طریق دانشگاه‌ها و ... استفاده می‌شود (بیزدانی و نژادزندی، ۱۳۹۱: ۴۵).

در این میان دولت‌ها از طریق دیپلماسی فرهنگی سه هدف عمده را دنبال می‌کنند: الف) کسب وجهه بین‌المللی در میان سایر اقوام و ملت‌ها و اثرگذاری بر رفتار آن‌ها، ب) ایجاد نهادهای علمی، فرهنگی جدید به منظور برقراری روابط پایدار و صمیمیت بیشتر میان جوامع مختلف، ج) فهم دقیق اصول موجود در فرهنگ سایر ملت‌ها و کنکاش در ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دیگر جوامع با هدف ارتقای درک متقابل میان ملت‌ها (دهشیری، ۱۳۹۳: ۳۰). استفاده از فرهنگ و مقوله‌های فرهنگی و به خدمت گرفتن ابزارهای فرهنگی در دیپلماسی در مقایسه با ابزارها و اهرم‌های رایج دیگر در روابط بین‌الملل دارای مزایایی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند: از مواجه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد، عاری بودن دیپلماسی فرهنگی از لحنی خصمانه در کنار جذابیت، حضور جدی‌تر بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی و اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی. دیپلماسی فرهنگی بیشتر به دنبال کشف، تعریف و ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک و جهان‌شمول و سپس، تأمین منافع ملی در چارچوب این ارزش‌ها و منافع مشترک است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۶: ۱۶). از طرفی بسیاری از کارشناسان، ورزش و رویدادهای ورزشی را به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی می‌دانند و از آن به‌عنوان یک دیپلماسی نوین با نام دیپلماسی ورزشی یاد

می‌کنند. آن‌ها معتقدند که اعزام چهره‌های معروف ورزشی به عنوان دیپلمات، برای معرفی مردم و فرهنگ کشور خود نمونه‌ای از این نوع دیپلماسی است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۰). اگرچه ورزش - دیپلماسی در سال‌های اخیر به عنوان زیرشاخه دیپلماسی عمومی توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، اما تاریخچه این موضوع به قرن نهم پیش از میلاد بازمی‌گردد؛ طی اولین جشنواره بازی‌های المپیک باستان یک «آتش بس المپیک» توسط شاهان آن زمان امضا شد (گریکس و هولیهان، ۲۰۱۴: ۵۷۳). آن‌ها در آن زمان توافق کردند تا تمام رفتارهای خشن و دشمنانه را طی برگزاری بازی به حالت تعلیق در آورند تا موجبات خشنودی تماشاگران و ورزشکاران این بازی را فراهم کنند. قرن‌ها پس از آن، امروزه ادبیات دیپلماتیک ورزشی توانسته مرزها را کمرنگ و راه‌های بیشتری را برای گفت‌وگو باز کند تا از این طریق افراد مختلف در کنار یکدیگر جمع شوند (دوستی، ۱۳۹۱: ۴۱). در ارتباط با دیپلماسی ورزشی تحقیقات داخلی و خارجی بسیاری انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. راسخ و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان نقش ورزش و توسعه ورزشی در پیش‌برد سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران، چالش‌ها و ضعف‌های مختلف شامل نبود خط‌مشی‌های روشن و شفاف، فقدان آگاهی و دانش لازم در این زمینه، عدم شناخت از ظرفیت‌های بالقوه دیپلماسی فرهنگی ورزشی را بیان کردند. بیمان فر و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان راهبردها و پیامدهای توسعه دیپلماسی ورزشی در جمهوری اسلامی ایران به این نتایج دست یافتند که ده راهبرد در سه دسته راهبرد برندسازی و اعتباربخشی، تعامل‌گرایی با جهان و توانمندسازی ظرفیت‌ها و همچنین ده پیامد در سه دسته پیامدهای توسعه جامعه‌شناسی سیاسی، توسعه سیاست خارجی و توسعه ورزش وجود دارد. همچنین فولرتون و همکاران^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان تبدیل شدن دیپلماسی ورزشی به خروجی‌های دیپلماتیک؛ با ارائه یک مدل دیپلماسی ورزشی به این نتایج دست یافتند که اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح انتخاب شوند و این منابع متناسب با استراتژی‌های سیاسی هر کشور (ایالت) باشد، خروجی‌های آن می‌تواند هم‌راستای خروجی‌های دیپلماتیک مدنظر هر کشور باشد. مرور تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که با وجود مزایای دیپلماسی ورزشی، استفاده از آن در کشور ما با چالش‌ها و نواقصی روبه‌روست که این امر، انجام پژوهشی برای ارتقا و تقویت این دیپلماسی نوین بیش از پیش اهمیت می‌یابد. لذا در این پژوهش سعی شده است که به

^۱. Fullerton et all

^۱. Fullerton et all

می‌باشد. یکی از روش‌های مناسب برای وزن‌دهی و رتبه‌بندی متغیرها، روش AHP (فرایند تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی) است. به علت همپوشانی داشتن متغیرها با یکدیگر و برای تفکیک متغیرها از یکدیگر و حذف متغیرهای غیرضروری، به طوری که هیچ متغیری ناخواسته حذف شود، از روش دلفی قبل از به‌کارگیری روش AHP استفاده گردید. در رابطه با روش‌شناسی پژوهش، با توجه به ماهیت موضوع و ادبیات تحقیق، به نظر رسید راه اساسی دستیابی به نتیجه صحیح و کاربردی، استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصین در این زمینه است. در این راستا مدل دلفی به عنوان مدلی که می‌توانست با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نظرات کارشناسان، متغیرهای پژوهش را غربالگری کند مورد توجه و انتخاب پژوهشگران قرار گرفت. مرحله چهارم پژوهش: بعد از انجام روش دلفی در دو دور و غربال شدن متغیرهای فرعی مرتبط با متغیرهای اصلی، برای وزن‌دهی و رتبه‌بندی (اولویت‌بندی) عوامل مؤثر توسعه دیپلماسی ورزشی با توجه به متغیرهای اصلی از روش AHP استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در توصیف تحلیلی نمونه پژوهش، تعداد ۱۲ نفر از اساتید نخبه دانشگاه در رشته‌های مدیریت ورزشی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مدیریت استراتژیک و دو نفر از مدیران اسبق ورزش کشور در سطح وزیر و معاون وزیر دولت یازدهم، دو نفر از سفیران و مدیران اسبق وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در دولت هفتم بودند. در جدول زیر به تفکیک و توصیف نمونه پژوهش پرداخته شده است.

در توصیف تحلیلی مصاحبه‌شونده‌ها، از مجموع ۱۲ نفر از اساتید دانشگاه در رشته‌های مدیریت ورزشی، مدیریت استراتژیک، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و... تعداد ۱۶ مصاحبه، از مجموع دو نفر از مدیران اسبق ارشد وزارت ورزش و جوانان دو مصاحبه و در نهایت از مجموع دو نفر از سفیران و مدیران اسبق وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دو مصاحبه، انجام شد.

ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های میدانی بود، با توجه به موضوع، این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی و روش انجام پژوهش روش آمیخته یا ترکیبی^۱ بود. جامعه آماری پژوهش کلیه مدیران و متخصصان صاحب‌نظر و آگاه در ارتباط با موضوع دیپلماسی ورزشی بودند و از آنجایی که در روش‌های کیفی از نوع برخاسته از داده‌ها، تعداد نمونه‌ها از قبل تعیین نمی‌شود، در نتیجه تا جایی که نسبت به موضوع تحقیق اشباع نظری حاصل شود، مصاحبه ادامه یافت، بنابراین در مرحله مصاحبه از دو روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی استفاده شد. بر همین اساس با ۱۶ نفر از افراد متخصص، تعداد ۲۱ مصاحبه (برخی از افراد بیش از یک بار مورد مصاحبه قرار گرفتند) انجام شد. در بخش دلفی نیز با درخواست از طریق ایمیل از ۴۰ استاد دانشگاهی که در حوزه مدیریت ورزشی تخصص داشتند، خواسته شد تا در گروه دلفی پژوهش مشارکت داشته باشند که از این تعداد، ۲۰ استاد دانشگاه در گروه دلفی در دو مرحله دلفی مشارکت کردند. در نهایت در بخش AHP^۲ از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس استفاده شد که از این طریق تعداد ۳۵ پرسش‌نامه AHP تکمیل و بازگردانده شده است. به‌طور کلی این پژوهش طی یک فرایند چهار مرحله‌ای به شرح زیر صورت گرفت:

مرحله اول: از طریق رجوع به اطلاعات موجود در پایگاه‌های اینترنتی، کتب، مجلات و نشریات مختلف، به بررسی وضعیت دیپلماسی ورزشی در سایر کشورها و بررسی وضعیت موجود این دیپلماسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مروری بر مبانی نظری و پیشینه موضوع و مقایسه آن‌ها با یکدیگر پرداخته شد. مرحله دوم پژوهش: با انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و از نوع مصاحبه مفهومی (هدف این نوع مصاحبه توضیح و تشریح مفهومی یک پدیده یا موضوع است. در این روش مصاحبه‌گر قصد دارد ساختار مفهومی مفاهیم را در رابطه با یک پدیده تشریح نماید.) با تعدادی از صاحب‌نظران، نخبگان دانشگاهی و مدیران سیاسی که در عرصه ورزش فعالیت داشتند و همچنین مدیران ورزشی که در عرصه سیاست مسئولیت داشتند، متغیرهای اصلی پژوهش شناسایی شد. مرحله سوم پژوهش: هدف این مرحله از پژوهش، وزن‌دهی و رتبه‌بندی متغیرهای شناسایی شده در مرحله پژوهش

2. Analytical Hierarchy process

1. Mixed Method

2. Analytical Hierarchy Process

جدول ۱ - توصیف نمونه‌های پژوهش

توصیف	تعداد	سمت صاحب‌نظران
رشته: مدیریت ورزشی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، مدیریت استراتژیک و ...	۱۲	اساتید دانشگاه
در سطح: وزیر و معاون وزیر دولت یازدهم، سفیر بازنشسته دولت هفتم، عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی	۴	مدیران سیاسی - ورزشی

با پایان یافتن مصاحبه‌ها با اساتید و نخبگان دانشگاهی، مدیران عالی‌رتبه ورزش کشور، سفیران و مدیران سیاسی سابق جمهوری اسلامی ایران، تعداد ۱۲ متغیر در حول اهداف پژوهش شناسایی شد که در ادامه به تفسیر و تفکیک هر کدام از این متغیرها پرداخته شده است.

جدول ۲ - توصیف مصاحبه‌شوندگان پژوهش

توضیحات	تعداد	تعداد مصاحبه	سمت صاحب‌نظران
رشته مدیریت استراتژیک، مدیریت ورزشی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و ...	۱۲	۱۶	اساتید دانشگاه‌های ایران
در سطح: وزیر و معاون وزیر دولت یازدهم	۲	۲	مدیران عالی‌رتبه ورزش کشور
سفیر بازنشسته دولت هفتم	۱	۱	سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران
عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس	۱	۱	نماینده سابق مجلس

همان‌طور که در جدول شماره سه مشاهده می‌شود، با پایان مصاحبه‌ها، تعداد ۱۴ متغیر حول اهداف پژوهش شناسایی شد. بعد از پایان دور اول روش دلفی تعداد متغیرهای شناسایی شده مرحله مصاحبه از ۱۴ متغیر به ۱۲ متغیر کاهش یافت. در این مرحله،

جدول ۳ - نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، در بخش ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

متغیرهای اصلی	تعداد متغیرها	متغیرهای فرعی مرتبط
ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی	۱۲	بازبینی و بازنگری آئین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی (وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و...) برگزاری جلسات هماهنگی بین وزارت ورزش و وزارت خارجه به عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی، تدوین سند همکاری‌های راهبردی بین وزارت امور خارجه، کمیسیون سیاست خارجی مجلس با وزارت ورزش و جوانان و... آموزش مدیران سیاسی - ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی، تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، تدوین استراتژی دیپلماسی ورزشی بر اساس مشخص کردن مخاطبان سیاسی و برنامه‌ریزی برای برقراری ارتباط با آن کشورها در قالب این دیپلماسی، تعریف ساختار مناسب برای پیشبرد برنامه‌های مرتبط با دیپلماسی ورزشی با بهره‌گیری از تقویت و ارتقای قدرت نرم در سیاست خارجی کشور،

اسپورتیزه کردن سیاست در وزارت امور خارجه،
تعریف و تبیین مفهوم دیپلماسی ورزشی به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فعال در
حوزه دیپلماسی عمومی
ایجاد مراکز غیردولتی هماهنگ‌کننده فعالیت‌های دیپلماسی ورزشی،
محبوس نکردن و محدود نکردن دیپلماسی ورزشی در دولت‌ها و معرفی آن
به‌عنوان ابزاری فراحکومتی،
تقویت کردن نقش مهم رسانه ملی در انعکاس رویدادهای جهانی ورزشی -
سیاسی و کمک به ارتقای دیپلماسی ورزشی،
تقویت کردن مفهوم دیپلماسی ورزشی به ترتیب در سطح داخلی و منطقه‌ای و
سپس در سطح جهانی

مجلس با وزارت ورزش و جوانان و ... « با وزن نسبی ۰/۲۹۵، و
«تدوین استراتژی دیپلماسی ورزشی بر اساس مشخص کردن
مخاطبان سیاسی و برنامه‌ریزی برای برقراری ارتباط با آن
کشورها» با وزن نسبی ۰/۲۸۸ در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

همان‌طور که در جدول ذیل نشان داده شده است، متغیر
«تقویت کردن نقش مهم رسانه ملی در انعکاس رویدادهای
جهانی ورزشی - سیاسی و کمک به ارتقای دیپلماسی ورزشی» با
وزن نسبی ۰/۳۲۲، مهم‌ترین راهکار برای توانمندسازی و ارتقای
دیپلماسی ورزشی، و متغیرهای «تدوین سند همکاری‌های
راهبردی بین وزارت امور خارجه و کمیسیون سیاست خارجی

جدول ۴- نتایج نهایی فرایند تحلیل سلسله مراتبی در بخش ارائه راهکارهای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی
جمهوری اسلامی ایران

رتبه	وزن نسبی بر اساس (میانگین هندسی)	متغیرهای فرعی مرتبط	متغیر اصلی
۱	۰/۳۲۲	تقویت کردن نقش مهم رسانه ملی در انعکاس رویدادهای جهانی ورزشی - سیاسی و کمک به ارتقای دیپلماسی ورزشی	
۲	۰/۲۹۵	تدوین سند همکاری‌های راهبردی بین وزارت امور خارجه و کمیسیون سیاست خارجی مجلس با وزارت ورزش و جوانان و ...	
۳	۰/۲۸۸	تدوین استراتژی دیپلماسی ورزشی بر اساس مشخص کردن مخاطبان سیاسی و برنامه‌ریزی برای برقراری ارتباط با آن کشورها	
۴	۰/۲۷۷	تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی	راهکارهای توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی
۵	۰/۲۶۵	محبوس نکردن و محدود نکردن دیپلماسی ورزشی در دولت‌ها و معرفی آن به‌عنوان ابزاری فراحکومتی	
۶	۰/۲۴۱	بازبینی و بازنگری آئین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی (وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و...)	
۷	۰/۲۳۲	آموزش مدیران سیاسی - ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی	
۸	۰/۲۱۱	ایجاد مراکز غیردولتی هماهنگ‌کننده فعالیت‌های دیپلماسی ورزشی	
۹	۰/۱۹۱	برگزاری جلسات و همایش‌ها هماهنگی بین وزارت ورزش و وزارت خارجه به عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی	
۱۰	۰/۱۸۷	اسپورتیزه کردن سیاست در وزارت امور خارجه	
۱۱	۰/۱۵۴	تقویت کردن مفهوم دیپلماسی ورزشی به ترتیب در سطح داخلی و منطقه‌ای و سپس در سطح جهانی	
۱۲	۰/۱۳۳	تعریف ساختار مناسب برای پیشبرد برنامه‌های مرتبط با دیپلماسی ورزشی با بهره‌گیری از تقویت و ارتقای قدرت نرم در سیاست خارجی کشور	

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و تقویت توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجام شد. نتایج نشان داد که تدوین سند همکاری‌های راهبردی بین وزارت امور خارجه، کمیسیون سیاست خارجی مجلس با وزارت ورزش و جوانان، تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، تدوین استراتژی دیپلماسی ورزشی بر اساس مشخص کردن مخاطبان سیاسی، تعریف ساختار و جایگاه مناسب برای پیشبرد برنامه‌های مرتبط با دیپلماسی ورزشی و... از جمله راهکارهای ساختاری در توانمندسازی دیپلماسی ورزشی است که این نتایج با نتایج تحقیق راسخ و همکاران (۱۳۹۶) که پیشنهادت و اقداماتی را در تحقق اهداف دیپلماسی ورزشی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران عنوان کرده بودند و همچنین نتایج پیمان‌فر (۱۳۹۵) که افزایش برند ملی، تقویت و همبستگی هویت ملی، شکل‌دهی مثبت به افکار عمومی و... را از مهم‌ترین راهبردها و راهکارهای توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی می‌دانستند، و پژوهش شریعتی فیض‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴) که به طراحی و مدل‌سازی مؤلفه‌های شکل‌دهنده دیپلماسی ورزشی در توسعه روابط بین‌الملل به این نتیجه رسیدند که نهادهای ذی‌ربط نسبت به تدوین یک استراتژی واحد در زمینه دیپلماسی ورزشی اقدام کنند تا از اتلاف فرصت‌های دیپلماتیک جلوگیری نمایند، همسو و هم‌خوان بود. همچنین با نتایج تحقیقات خارجی کوبیرسکی (۲۰۱۷) که در تحقیق خود با عنوان دیپلماسی ورزشی در نروژ به این نتیجه دست یافت که یک دیپلماسی ورزشی توانمند می‌تواند نقشی تأثیرگذار و کمکی در برند ملی و معرفی هویت ملی این کشور داشته باشد، و نتایج پژوهش ریچ (۲۰۱۴) که به بررسی موفقیت‌های ورزشی به عنوان ابزار سیاست خارجی و داخلی پرداخته بود و نتایج پژوهش پیگمن (۲۰۱۴) با عنوان ورزش بین‌الملل و بعد دیپلماسی عمومی که نشان‌دهنده افزایش تبادلات بین کشورها از طریق رویدادهای ورزشی است، همسو و هم‌خوان بود. بنابراین از نتایج پژوهش در این بخش می‌توان گفت به نظر می‌رسد که ارائه هرگونه راهکاری برای تقویت و کاربردی‌تر کردن دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی کشورمان باید مدون و جامع بوده و نباید آن را به سطح یک نهاد یا نیروی خاص محدود کرد. همچنین بررسی الزامات تقویت دیپلماسی ورزشی کشور در شرایط کنونی نشان می‌دهد که تمام راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید

هم‌جهت و همسو با استراتژی توسعه‌گرا و همگام با سایر دیپلماسی‌ها پیگیری شوند. از این‌رو، عرصه دیپلماسی و خصوصاً دیپلماسی ورزشی یکی از عرصه‌هایی است که ظرفیت‌های لازم و بنیادینی برای انتقال مفاهیم آرمانی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران در روابط فرهنگی بین‌المللی دارد. در واقع می‌توان اذعان داشت دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران در صورتی به موفقیتی شایسته و بایسته خواهد رسید که رویکردی واقع‌گرایانه‌تر به روابط فرهنگی (ورزشی) بین‌المللی اتخاذ نماید. نگاهی به فعالیت‌های ایران در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی، نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از فعالیت‌ها (فعالیت‌های رسانه‌ای، فعالیت‌های فرهنگی هنری) به صورت پراکنده در حال انجام است که می‌توان برخی از آن‌ها را در چارچوب دیپلماسی عمومی تعریف کرد. اما همان‌گونه که پیشتر مطرح شد، جمهوری اسلامی ایران نیازمند استراتژی منسجم‌تری است تا بتواند دیپلماسی ورزشی خود را به ابزاری قدرتمند و تأثیرگذار تبدیل کند؛ ابزاری توانمند که می‌تواند به خوبی در اختیار دستگاه سیاست خارجی قرار گیرد. در این استراتژی نهاد یا سازمانی که عهده‌دار سیاست‌گذاری و هدایت دیپلماسی ورزشی است از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در این رابطه تجربه کشورهای موفق نشان داده نهادی که در قالب ساختار وزارت امور خارجه باشد، قادر خواهد بود استراتژی و برنامه مدون دیپلماسی ورزشی ایران را اجرا کند. ماهیت فعالیت‌های وزارت خارجه که در تعامل گسترده با عرصه بین‌المللی قرار دارد، باعث می‌شود که این نهاد بیش از هر نهاد و سازمان دیگری این امکان را پیدا می‌کند تا مؤلفه‌های قدرت نرم را در قالب برنامه‌های دیپلماسی ورزشی کشور به کار بندد. مسلماً اجرای توانمند دیپلماسی ورزشی در این نهاد، خود نیازمندی‌های استراتژی است که شاید مهم‌ترین آن کسب مهارت‌های جدید توسط دیپلمات‌ها (دیپلمات‌های سیاسی و دیپلمات‌های ورزشی) باشد. بنابراین تقویت و توانمندسازی دیپلماسی ورزشی در وزارت امور خارجه می‌تواند در جذب افکار عمومی کشورهای دیگر و ارائه تصویری مثبت از کشور به آن‌ها بسیار مؤثر باشد. چنین عملکردی بهترین وسیله برای مقابله با ترفندهای تبلیغاتی کشورهای رقیب خواهد بود. در صورت وجود یک نهاد منسجم و یک برنامه مشخص؛ چنین نهادی باید قادر باشد مخاطبان خود و ابزارهای تأثیرگذار بر آن‌ها را مشخص سازد و بر مبنای آن به تقویت هرچه بیشتر دیپلماسی ورزشی و به تبع آن تقویت برخی عناصر فرهنگی (باورها، ارزش‌ها و...) بپردازد. دیگر نتایج تحقیق نشان داد که

هم‌خوان بود. از نتایج پژوهش در این قسمت می‌توان پیشنهاد داد که شورای سیاست‌گذاری دیپلماسی ورزشی با حضور وزیر امور خارجه، وزیر ورزش و جوانان، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر آموزش و پرورش، وزیر علوم تحقیقات و فناوری و دیگر مسئولین تشکیل شود تا در آن جایگاه و مفهوم دیپلماسی ورزشی کشور در برنامه‌های دولت تعریف و دستگاه‌های متولی برای این امر تعیین و استراتژی‌های مربوط تدوین و اجرا گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود با برگزاری جلسات، کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی و علمی ضمن افزایش آگاهی و شناخت تصمیم‌گیران سیاسی در کنار علاقه‌مندی آن‌ها به ورزش، می‌توان مدیران ارشد سیاسی- ورزشی کشور را ترغیب کرد تا برنامه‌های هدفمند و استراتژیک برای دیپلماسی ورزشی در وزارت امور خارجه داشته باشند و با ایجاد نهادی نظارتی برای پیشبرد اهداف تعیین شده دیپلماسی ورزشی از دوباره‌کاری‌های در این حوزه جلوگیری شود. در نهایت پیشنهاد می‌شود در انتخاب سفیر در کشورهایی که مقر سازمان‌های بین‌المللی ورزشی است (مانند مالزی و سوئیس)، شاخص‌های علاقه‌مندی و تخصص سفیران به امورات ورزشی بیشتر مدنظر وزارت امور خارجه قرار بگیرد، همچنین به سفیران کشورمان در جهت همکاری با فدراسیون‌های ورزشی و تعاملات سیاسی با کشورهای مربوطه آموزش‌های لازم داده شود.

References

- 1- Abolhasan shirazi, H. (2018). Cultural Diplomacy and the Role of Friendship Communities in International Relations Journal of International Relations. 10 (38). 9 (25). (Persian)
- 2- Amirtash, A. M. (2005). Iran and the Asian games: The largest sports event in the Middle East Sport in Society. 8 (3). 449-467. (Persian)
- 3- Bjola, C. & Kornprobst, M. (2013). Understanding international diplomacy: theory, practice and ethics Routledge, 105.
- 4- Dehshiri, M. (2013). Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran Tehran: Scientific and Cultural Publications. 31. (Persian)
- 5- Derakhsheh, J. & Esmaeeli, A. (2017). Cultural diplomacy and soft power of the Islamic Republic of Iran in Italy; Opportunities, Threats and Strategies

تقویت کردن نقش مهم رسانه ملی در انعکاس رویدادهای جهانی ورزشی- سیاسی، محبوس نکردن و محدود نکردن دیپلماسی ورزشی در دولت‌ها و معرفی آن به‌عنوان ابزاری فراحکومتی، ایجاد مراکز غیردولتی هماهنگ‌کننده فعالیت‌های دیپلماسی ورزشی، آموزش مدیران سیاسی- ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی و... از جمله دیگر راهکارهای توانمندسازی، ارتقا و تقویت دیپلماسی ورزشی است که این قسمت از نتایج با نتایج پژوهش‌های زرگر (۱۳۹۴) که به مفهوم‌سازی کارکردهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ورزش به کلان‌ترین سطح تعاملات سیاسی، یعنی روابط بین دولت‌ها توجه کرده‌اند و نتایج شریعتی فیض‌آبادی و ناظمی (۱۳۹۶) که از دیپلماسی ورزشی به‌عنوان ابزاری برای بیان خواسته‌های خود در جامعه جهانی یاد می‌کنند، و همچنین نتایج پژوهش مرادی و همکاران (۱۳۹۳) که به نقش ورزش در توسعه ارتباطات میان فرهنگی و اجتماعی پرداخته‌اند، هم‌خوانی داشت. همچنین این قسمت با نتایج پژوهش فولرتون و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان تبدیل شدن دیپلماسی ورزشی به‌عنوان خروجی‌های دیپلماتیک به این نتیجه رسیدند که اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح انتخاب شوند خروجی‌های آن می‌تواند هم‌راستای خروجی‌های دیپلماتیک مدنظر هر کشور باشد نیز

- Quarterly journal of political research in the Islamic world. 7 (2). 27-53. (Persian)
- 6- Dousti, M. (2012). Causes of political entry into sports Phd thesis. Faculty of physical education. University of Tehran. 41. (Persian)
- 7- Fullerton, J., Abdi K., Talebpour, M., Ranjesh, M. & Nooghabi, H (2018). Converting sports diplomacy to diplomatic outcomes: introducing a sport diplomacy model Article resue guideline. International area studies review. 4 (11). 1-17. (Persian)
- 8- Ghasemi, H., Pourkiani, M., & Sabagh novin, M. (2018). Comparing the Situation of International Relation between Iranian National Federation and other Countries Communication Management in Sports media. 5 (20). 89-100. (Persian)
- 9- Grix, J. & Houlihan, B (2014). Sports Mega-events as part of a nation soft power strategy: The cases of germany (2006) and

- UK (2012) The british journal of politics & international relation. 2 (8). 572- 596.
- 10- Mohsenzadegan, A., & Korani, S (2012). The impact of diplomacy on Iran's national power in the global arena Journal of Strategic Studies in Public Policy. 2 (3). 131-150. (Persian)
- 11- Kobierski M. (2017). Sport diplomacy of Norway International studies interdisciplinary and cultur journal, 20 (1), no. 1/2017.
- 12- Murray, S., & Pigman, G. A. (2014). Mapping the relationship between international sport and diplomacy Sport in Society, 17 (9). 1098-1118.
- 13- Peyman far, M. H. (2016). Developing a strategic model for the development of sport diplomacy in the Islamic Republic of Iran Phd thesis. Faculty of physical education, Kharazmi university. (Persian)
- 14- Pigman, G. A (2014). International sport and diplomacy public dimension governments, sporting federation and the global audience Diplomacy & statecraft. 94-114.
- 15- Rasekh, N., & Javadipour, M. (2017). The role of sport and the development of sport diplomacy in advancing socio-cultural policies and foreign relations of the Islamic Republic of Iran Sports Management Journal. 9 (4). (DOI): 10.22059/jsm.2017.235086.1860. (Persian)
- 16- Reiche, D. (2014). Investing in sporting success as a domestic and foreign policy tool: the case of study: Qatar. Internatinal journal of sport policy and politics. 37-53.
- 17- Salar, M., Khaledian, M., & Mostafae , F (2015). Role of Sport in developing Social and Cross-cultural Communications Communication Management in Sports media. 1 (4). 55-60. (Persian)
- 18- Shariati Faizabadi, M., & Goodarzi, M. (2016). Position of sport diplomacy in international relations of the Islamic Republic of Iran; Qualitative approach based on content analysis Journal of Political Science. 11 (2). 95-127. (Persian)
- 19- Shariati Faizabadi, M. & Nazemi, M. (2017). Designing the concepts of peace-building culture in sport in the development of international relations Journal Social Cultural Strategy. 6 (24). 163-188. (Persian)
- 20- Yazdani,E., & Nezhadzandieh, R. (2012). Application of public diplomacy in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the framework of the principles and values of the Islamic Revolution Scientific-Research Journal of the Islamic Revolution. 7 (12). 19-44. (Persian)
- 21- Zargar, A. (2014). Sports and International Relations: Conceptual and Theoretical Aspects Journal of Political Science. 11 (31). 7 (48). (Persian)